

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۰۴ مارچ ۲۰۲۵



استاد اکبر قریشی

جنگ بین بز و گاو باعث پربادی کشور ما شد!



جنبش های وطن پرستانه، روشنگری و روشنفکری که به وسیله فرزندان اصیل کشور باعث تحولات سیاسی در کشور ما از زمان امیر شیرعلی خان شد و جنبش های مشروطه خواهی دور اول و دور دوم را به وجود آورد در بستر زمان فراز و نشیب های خاصی را دیده است.

این جنبش ها و مشروطه خواهی ها اگر فرصت های کوتاهی برای تبارز یافته، مگر در بیشتر اوقات زیر ضربت قرار داشته، هرگاه بحث در باره دوران تاریک، خشونتبار، استبدادی و جنایتکارانه امیر عبدالرحمان جلاد را به زمانی دیگری محول نمائیم، اعدام مشروطه خواهان دور اول در زمان امیر حبیب الله خان و به تعقیب آن کشتار های نادرخانی و ظاهر خانی همه تاریخ خونبار جنبش مشروطه خواهانه، عدالت جویانه و در بطن برابری طلبانه مردم را به نمایش می گذارد.

آنچه در این میان مهم و قابل قدر است استواری مردم ما و در پیشاپیش آنها فرزندان راستین کشور در راه برآورده ساختن اهداف انسانی شان بود.

مشاهده همین استواری، علی رغم حاکمیت های استبدادی "هاشم خانی" و "داوود خانی" و قلع و قمع هر نوع حرکت روشنگرانه از یک سو و فشار به اصطلاح "جهان آزاد" بر حاکمیت خاندانی تا جهت جلوگیری از خیزش های مردمی، باعث شد تا سلطنت "دموکراسی تاجدار" خودش را اعلام بدارد.

حاکمیت بسیار مزورانه جهت تجرید و به حاشیه راندن فرزندان اصیل کشور و جنبش های واقعاً دموکراتیک و آزادیخواهانه ترفند دیگری را که به کار بست ایجاد نهاد های وابسته به خودش از دو جهت مخالف آن جنبش های واقعی بود، یعنی همزمان با آن که به اصطلاح از طرف "چپ" باند های خلق و پرچم را در آستین خودش پرورش داد، از سمت راست اخوان و اخوانیت را بذر افشانی نمود.

هرگاه به تاریخ دهه به اصطلاح دموکراسی نظر اندازیم دیده می شود که حاکمیت با انتخاب صدراعظم ها از داکتر "یوسف تا موسی شفیق" تنها در باتلاق مشکلات اداری دست و پای نمی زند بلکه در عمل با روی کار آوردن "میوندوال" گوشه چشمی به جهان غرب نشان می دهد، با داکتر "ظاهر" انفعال و تردد دربار را به نمایش می گذارد. اما با انتخاب "نوراحمد اعتمادی" علی رغم آن که خودش پیوند های ضعیفی با روسها داشت. مثلاً به وزیر اطلاعات و کلتورش دستور می داد تا در سالروز مرگ "النین" درود بفرستد و بدین گونه به جنباران کرملین رشوت بدهد. فضای رشد برای باند های خلق و پرچم در تمام زمینه ها باز گذاشته شد؛ سلطنت به این هم اکتفاء ننمود با انتخاب "موسی شفیق" به حیث صدراعظم که در طول عمر نان ملائی خورده بود و فساد اخلاقی شخصی اش را با "اخذزاده" بودنش کتمان می نمود، در سمت راست جنبش، حلقه محاصره را بر فرزندان صدیق میهن تنگتر نمود.

سلطنت با این ترفند ها امیدوار بود که با محصره جنبش انقلابی از دو جهت گویا چپ و راست، عمر ننگین خودش را طولانی بسازد مگ روند تکامل اوضاع کار را به جایی رسانید که هر دو نیرو نه تنها به جان سلطنت و ادامه قدرت خاندانی افتادند، بلکه در تقابل ها و سازش های مقطعی و خونین بین خودشان، مردم ما را نیز به خاک و خون کشانیده، کشور ما را ویران و میلیونها هموطن ما را آواره و بی خانمان بگردانند.

در این میان دو فرد بدنامتر از دیگران یکی "نجیب گاو" بود و دیگری "احمدشاه مسعود" معروف به "بزپنجشیر". تاریخ گواهی می دهد که هم معافه و نرد عشق باختن بین آنها و هم مشاجره و جنگ بین شان میلیونها هموطن ما را به خاک سیاه نشانده است. آن جنایات نه تنها در همان زمان جوی های خون را جاری ساخت بلکه امروز هم به اشکال دیگری از مردم ما قربانی می گیرد، زیرا هر دو طرف یک موفقیت مشترک داشتند که آنهم کشتار و قتل عام فرزندان راستین کشور بود چنان که شرایط را برای سلطه خونبار و استبدادی امروز طالب مهیا نمودند.

امروز وقتی طالب به هر طرف رو بر می گرداند خون و آتش و بیداد و زندان از خود در قفا می گذارد، یکی از عوامل موفقیتش در این جنایات، فقدان نیروهای آگاه، و طنپرست و خبریست که در کشتارگاه های نوکران روس و نوکران پاکستان و ایران یعنی "گاو" و "بز" به خون کشانیده شده اند.